

تأثیرات منطقه‌ای دخالت حزب‌الله و اسرائیل در بحران سوریه

احسان جعفری فر^۱، سجاد احرابی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

چکیده

در تحلیل بحران سوریه و کنش بازیگران دخیل در آن، می‌توان جهت‌گیری‌های متعارض حزب‌الله و اسرائیل را مورد بررسی قرار داد. موقعیت ژئواستراتژیکی سوریه باعث شده است تا اهمیت آن برای دنیروی حزب‌الله و اسرائیل در سوریه با اهمیت باشد. حزب‌الله به سوریه به‌عنوان ستون فقرات مقاومت می‌نگرد و سقوط بشار اسد را به معنای تضعیف محور مقاومت می‌داند و در مقابل، اسرائیل به سبب همسایگی با سوریه نگران تأثیر قدرت محور مقاومت و محدودیت فعالیت‌های خود در قبال لبنان و فلسطین است. از همین رو، سقوط یا تداوم رژیم بشار اسد تأثیر مستقیمی بر منافع و اهداف هر یک از آن‌ها خواهد داشت. سؤال اصلی مقاله این است که تأثیرات منطقه‌ای دخالت حزب‌الله و اسرائیل در بحران سوریه چیست؟ و در پاسخ به این پرسش با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری منابع به‌صورت کتابخانه‌ای و فضای مجازی، این فرضیه مطرح شده است که با توجه به‌قرار گرفتن سوریه در محور مقاومت، تأثیرات منطقه‌ای دخالت حزب‌الله و اسرائیل برای بقا رژیم بشار اسد در دو حوزه‌ی روابط اعضای محور مقاومت با یکدیگر و توازن قوای نیروهای محور و ضد محور مقاومت در تقابل با یکدیگر مؤثر است.

واژه‌گان کلیدی: حزب‌الله، بحران سوریه، خاورمیانه، محور مقاومت.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور ارومیه، ارومیه، ایران.

مقدمه

بحران سوریه یکی از مهم‌ترین حوادث تأثیرگذار در نظام بین‌الملل طی سال‌های اخیر بوده است که توجه بسیاری از بازیگران را به این کشور معطوف کرده است. شروع تحولات داخلی و شکل‌گیری بحران در سوریه از سال ۲۰۱۱ باعث شد تا بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با توجه به اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی این کشور نیز درگیر شوند که منجر به بروز مجموعه پیچیده‌ای از معادلات سیاسی و امنیتی در بعد داخلی و خارجی شد. در واقع، اهمیت جایگاه منطقه‌ای و نقش بازیگری سوریه در تحولات منطقه ناشی از قرار گرفتن آن در محور مقاومت و تأثیرگذاری در مباحث مربوط به فلسطین، مقاومت، مذاکرات سازش با اسرائیل، مسئله عراق و دیگر مسائل منطقه‌ای است. از همین رو، میدان تقابل و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را برای تأثیرگذاری و مدیریت در حوادث داخلی این کشور را بر ساخته است. بر همین اساس می‌توان گفت که ایران و حزب‌الله لبنان به‌عنوان حامیان سوریه نقش مهمی در حوزه‌ی ثبات حکومت بشار اسد و حفظ محور مقاومت داشته‌اند. باید توجه داشت که سوریه به‌عنوان ستون فقرات محور مقاومت تلقی می‌شود و می‌تواند بر معادلات منطقه بسیار تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر در حالی که اسرائیل تحولات داخلی سوریه را در صورت سقوط بشار اسد در راستای منافع راهبردی و امنیتی خود از تشکیل خاورمیانه جدید تا تضعیف محور مقاومت می‌بیند سعی داشته است تا تحولات داخلی این کشور را به مرز فروپاشی رژیم بشار اسد ببرد. همان‌طور که گفته شد سوریه در عرصه سیاسی و استراتژیک، به سبب نقش پل ارتباطی بین ایران یا لبنان و مجموعه‌های حزب‌الله، جهاد اسلامی و حماس که یک جبهه ضد اسرائیلی به نام جبهه مقاومت قرار دارد بسیار حائز اهمیت است. سؤال اصلی مقاله این

است که تأثیرات داخلی و منطقه‌ای دخالت حزب‌الله و اسرائیل در بحران سوریه چیست؟ و در پاسخ با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری منابع به‌صورت کتابخانه‌ای و فضای مجازی، این فرضیه مطرح شده است که با توجه به‌قرار گرفتن سوریه در محور مقاومت، تأثیرات منطقه‌ای دخالت حزب‌الله و اسرائیل در بقا رژیم بشار اسد در دو حوزه‌ی روابط اعضای محور مقاومت با یکدیگر و توازن قوای نیروهای محور و ضد محور مقاومت در تقابل با یکدیگر مؤثر است.

چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی^۱ برای آثار و دیدگاه‌های باری بوزان^۲، ال ویور^۳ دو ویلد^۴ و برخی دیگر به‌کاربرده است. این مکتب تنها رهیافتی است که فقط مبتنی بر مطالعات امنیتی و جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاه مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش کرده است. مکتب مطالعات راهبردی را زیرمجموعه مطالعات امنیتی قرار داده است. نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ عقیده دارند که در دنیای پس از جنگ سرد گستردگی موضوع‌های امنیتی و همچنین ورود بازیگران غیردولتی به عرصه تعاملات بین‌المللی ایجاب می‌کند که برداشت‌های سنتی خود از دولت‌محوری را تغییر داده و با نگرشی جدید به نقش بازیگران غیردولتی توجه کنیم، البته مکتب کپنهاگ به دنبال این نیست که مفاهیم سنتی و واقع‌گرایی را کنار بگذارد؛ بلکه با داشتن دیدگاه گسترده‌تر در دستور کار امنیتی دیدگاه سنتی را نیز در نظر می‌گیرد (و ثوقی

¹ Bill Mc Sweeney

² Barry Buzan

³ Ole Wave

⁴ De Wild

و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۷). از نگاه این مکتب کشمکش امنیت و کشمکش قدرت می‌تواند منجر به ایجاد معمای قدرت-امنیت گردد. کشمکش قدرت به فرصت طلب و یا ستیزه‌جو بودن بازیگران دلالت دارد و کشمکش امنیت به بدبینی و عدم اعتماد میان بازیگران نسبت به رفتارهای هم دلالت دارد. به عقیده بوزان قدرت مبتنی بر بازی با حاصل جمع صفر میان بازیگران است؛ یعنی افزایش امنیت یکی منوط به کاهش امنیت دیگری است. انگیزه و اهداف بازیگران نیز باعث ایجاد معمای قدرت-امنیت می‌شود که در جهت حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود پیش می‌روند (مطلبی و رحمانی، ۱۳۹۵: ۷۸). در بحران سوریه شاهد بازیگری حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی هستیم که توانسته است نقش بسیار مهمی را در تغییر معادلات قدرت و امنیت در سوریه بازی کند. در سوی دیگر در بحران سوریه شاهد دخالت رژیم صهیونیستی برای تأثیرگذاری بر تحولات سوریه و تغییر وضع موجود در جهت تقویت موقعیت خود هستیم. این رژیم به دنبال حمایت از معارضان سوری و غیر سوری با محوریت سقوط بشار اسد فعالیت کرده است که در تقابل به حمایت حزب‌الله از رژیم بشار اسد است. در ادامه به اهمیت سوریه و تأثیر هر یک از دنیروی حزب‌الله و اسرائیل پرداخته خواهد شد.

اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیک سوریه

سوریه در منطقه استراتژیک خاورمیانه، کناره شرقی دریای مهم مدیترانه قرار گرفته است و با برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه و به سبب همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان و ترکیه و عراق به‌عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است. این کشور در انتقال نفت و از عراق و ایران به اروپا نیز موقعیت

ویژه‌ای دارد، همچنین از طریق خط لوله نفت در بندر بانباس، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می‌کند. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل «سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» نیز می‌نامند (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). از آنجا که سوریه در قسمت آسیای غربی واقع شده است و محل ارتباط و پیوند سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است تحولات آن با بازتاب‌های زیادی بر این مناطق اثرگذار است، به طوری که برای مثال بحران مهاجرت در اروپا ناشی از بحران سوریه و مهاجران سوری بوده است. از این لحاظ این کشور بخش بااهمیتی از منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا است و از آنجا که به عنوان یکی از کشورهای خط اول مبارزه با صهیونیسم قرار دارد نقش مهمی در دفاع از فلسطین بازی می‌کند. این کشور تنها کشور عربی است که مناسبات مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. گزاره «بدون دمشق، اعراب نمی‌توانند با رژیم صهیونیستی صلح و سازش کنند» هنوز قابلیت کاربردی داشته و اعتبار خود را از دست نداده است چراکه، عدم حضور سوریه چه در دوران حافظ اسد و چه در ایام حکومت بشار اسد در روند صلح خاورمیانه و فرآیند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، باعث مختل شدن روند سازش و به بن‌بست رسیدن این فرآیند در منطقه شده است. همین مسئله از مانعی بر سر راه توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود (تاجیک و سعادت، ۱۳۹۵: ۱۲۱). به طور کلی، نقش سوریه در حمایت از محور مقاومت و همچنین جلوگیری از قدرت گرفتن اسرائیل از عوامل منطقه‌ای است که باعث شده است تا در ریشه‌های حل بحران سیاسی کشور پیچیدگی‌هایی ایجاد شود.

اهمیت سوریه در محور مقاومت

بعد از روی کار آمدن بشار اسد در ۲۰۰۰، ارزش‌های اسلامی جایگاه بالاتری را در گفتمان داخلی سوریه به دست آورده است. بشار اسد در مارس ۲۰۰۱ و در سخنرانی‌اش در نشست سران عرب گفت که هیچ رهبر اسرائیلی علاقه‌مند به صلح نیست و همه اسرائیلی‌ها را به‌عنوان مجرمان جنگی که نژادپرست‌تر از نازی‌ها هستند، محکوم می‌کند. این عبارات گفتمان محور مقاومت نیز بود اما آنچه باعث محبوبیت محور مقاومت در جهان اسلام شد و اوج همکاری محور مقاومت و سوریه شد، همکاری سه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران، سوریه و حزب‌الله علیه تجاوزهای اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۲۰۰۶ و به غزه در ۲۰۰۹-۲۰۰۸ بوده است. حمله اسرائیل منجر به طوفان شدیدی از انتقادات در جهان عرب شد. هنگامی که اعتراضات علیه حمله اسرائیل به غزه در سرتاسر منطقه به وقوع پیوست، حزب‌الله، سوریه و ایران، دولت‌های میانه‌رو را به دلیل عدم واکنش و تحرکات، به همدستی در حملات متهم می‌کردند. در همین راستا محور مقاومت با رهبری جمهوری اسلامی ایران از نفوذ و محبوبیت بالایی در افکار عمومی جهان اسلام برخوردار شد (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

همکاری دو کشور ایران و سوریه در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب‌الله و اسرائیل باعث شد تا با حمایت‌های ایران از حزب‌الله، عمق روابط استراتژیک دو کشور نیز بیش‌ازپیش گردد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۷۲). به لحاظ تاریخی نیز از عواملی که منجر به تقویت روابط میان دمشق و تهران شد می‌توان به تیره شدن روابط بین دو جناح حزب بعث در عراق و سوریه یعنی صدام حسین (رئیس‌جمهور اهل تسنن عراق) و حافظ اسد (رئیس‌جمهور علوی تبار سوریه)، شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ به

رهبری امام خمینی (ره)، امضای توافقنامه کمپ دیوید که منجر به تضعیف مصر به عنوان خط مقدم مبارزه اعراب و اسرائیل شد و همچنین نیاز سوریه به متحد جدید در مقابله با خطر اسرائیل اشاره کرد (شهرام نیا ویسی، ۱۳۹۴: ۳۰)؛ بنابراین در ماهیت رابطه ایران با سوریه و تعمیق روابط دو کشور با محوریت ایران ضروریاتی چون مذهب تشیع، حمایت ایران از سوریه برای سرکوب اخوانی‌ها در دهه ۱۹۸۰، حمایت ایران از لبنان پس از حمله اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان، تشکیل جنبش حزب‌الله توسط ایران در لبنان و همچنین احیای جامعه شیعی این کشور نقش اساسی داشته است.

شکل‌گیری بحران سوریه

بحران سوریه برخلاف انقلابان عربی دارای پیچیدگی‌های بسیاری است. بحران سوریه بزرگ‌ترین منازعه ژئوپلیتیکی پس از پایان جنگ سرد است و پس از جنگ سرد، هیچ بحران منطقه‌ای مانند بحران سوریه بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی اثرگذار نبوده است. اهمیت اثرگذاری بحران سوریه چنان است که به باور گروهی، شکل‌گیری خاورمیانه جدید در گرو روشن شدن تکلیف بحران سوریه است (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۱۹). درباره تحولات سوریه تفاسیر و دیدگاه‌های مختلف و حتی متعارضی وجود دارد. برخی از تحلیل‌گران چنین فرایندی را ناشی از گروه‌های اجتماعی در سوریه می‌دانند. از این نظر آنان در تحلیل خود، رویکرد مبتنی بر اقتدارگرایی سیاسی دولت سوریه را عامل اصلی بحران می‌دانند. گروه دیگری بر این اعتقادند که سوریه مرز ژئوپلیتیکی رادیکالیسم سیاسی محافظه‌کاری جهان غرب محسوب می‌شود؛ بنابراین آمریکا و کشورهای محافظه‌کار عرب در صدد هستند تا زمینه افول قدرت دولت‌های گروه اول ناآرامی‌ها و رادیکال را فراهم

آوردند. در این نگاه، سوریه همانند کشورهای عربی، گرفتار مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که مردم آن برای رهایی از این مشکلات، دست به اعتراض و مبارزه علیه رژیم زده‌اند. از نگاه برخی کارشناسان، معترضین کسانی هستند که برای دموکراسی تلاشی کننده خواهان حقوق سیاسی و آزادی هستند و این دغدغه شبیه آن چیزی است که در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا رخ می‌دهد. از طرف دیگر، عده‌ای از ناظران بین‌المللی بر این اعتقادند که حوادث سوریه بیش از آنکه منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبع خارجی است و مشکلات داخلی سوریه عرصه و فرصتی برای بهره‌برداری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. کارشناسان معتقد به دیدگاه و تحلیل دوم، با استناد به دخالت‌های آمریکا، فرانسه، آلمان، اسرائیل، عربستان سعودی، قطر و ترکیه در بی‌ثبات‌سازی سوریه، بر این باورند که جوهره اعتراضات در این کشور، متفاوت از جنبش‌های مردمی کشورهای منطقه است. بر اساس این دیدگاه مداخله بازیگران خارجی در تحولات داخلی سوریه به منزله یاری به مردم نیست بلکه مردم توسط عوامل بیرونی مسلح و مجهز شده‌اند (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۲).

به‌طور کلی علت شکل‌گیری بحران سیاسی سوریه را در سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان تبیین کرد. در سطح داخلی نقطه آغاز بروز بحران سیاسی سوریه، سال ۲۰۱۱ و انجام تظاهراتی به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای و کوچک است که با متغیرهای مطالبات مردم برای انجام اصلاحات سوریه، مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی همراه بوده است (آجر لو، ۱۳۹۲: ۱۷۷)؛ اما در سطح دیگر بهره‌برداری از بحران داخلی سبب دخالت نیروهای خارجی و افزایش خشونت شده است. عمده‌ترین دلیل این دخالت نه در جهت حمایت از مردم سوریه بلکه به خاطر موقعیت ویژه‌ی سوریه در

منطقه بوده است که می‌توانست تحولات بعدی خاورمیانه از جمله ایجاد خاورمیانه جدید، مسائل مربوط به فلسطین و نفوذ هر چه بیشتر بر کشور سوریه که سیاست خارجی مستقلی دارد را رقم بزند. در ادامه جدول بازیگران درگیر در بحران سوریه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آورده شده است:

بازیگران درگیر در بحران سوریه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

| سطح | هدف | بازیگران |
|------------|---------------------------------------|--|
| داخلی | دفاع و حمایت از حکومت اسد و حفظ آن | حکومت بشار اسد، نیروهای مسلح سوریه، نیروهای دفاع و حمایت از حکومت اسد و حفظ آن دفاع ملی سوریه و علویان |
| | مخالفت با حکومت اسد و خواهان تغییر آن | اخوان المسلمین، ارتش آزاد سوریه، جبهه النصر، جیش الفتح، داعش و کردها |
| منطقه‌ای | دفاع و حمایت از حکومت اسد و حفظ آن | ایران، عراق و حزب‌الله لبنان محور مقاومت) |
| | مخالفت با حکومت اسد و خواهان تغییر آن | مصر، قطر، اردن، جریان چهارده مارس لبنان، عربستان، ترکیه و اسرائیل |
| بین‌المللی | دفاع و حمایت از حکومت اسد و حفظ آن | روسیه و چین |
| | مخالفت با حکومت اسد و خواهان تغییر آن | آمریکا، انگلیس، فرانسه و برخی قدرت‌های اروپایی |

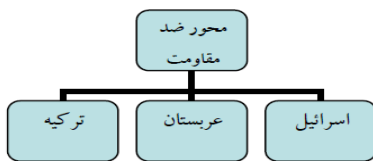
همان‌طور که گفته شد در تحلیل بحران سوریه می‌توان علاوه بر وجود سه لایه تحلیل در شکل‌گیری و شدت گرفتن بحران برای گسترش ابعاد آن از سطح داخلی به ابعاد منطقه‌ای و فرامطقه‌ای و وجود سه بازیگر داخلی، منطقه‌ای و فرامطقه‌ای مورد بررسی قرارداد. به‌طور کلی سیر تحول بحران سوریه که از ابعاد داخلی و خارجی متأثر شده است و باعث شدت تنش در داخل و مشارکت مخالفان خارجی شده، در جدول زیر آمده است:

| سال | سیر تحول بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۷) |
|------|--|
| ۲۰۱۱ | <p>مارس: واکنش تند دولت به حرقه اعتراضات ضد حکومتی</p> <p>اوت: واکنش اوباما برای خویشتن داری اسد، قطع روابط دیپلماتیک ترکیه و سوریه</p> <p>نوامبر: شکل گیری جبهه النصره توسط اعضای وابسته به القاعده عراق</p> |
| ۲۰۱۲ | <p>مه: کمک های غیرنظامی آمریکا به معترضان سوری تحت وضعیت اضطراری</p> <p>اوت: بیانیه ملک عبدالله</p> <p>نوامبر: خط قرمز اوباما درباره استفاده از سلاح شیمیایی</p> |
| ۲۰۱۳ | <p>آوریل: ابوبکر بغدادی، رهبر داعش، خبر از ادغام داعش و جبهه النصره برای تشکیل دولت عراق و شام داد</p> <p>اوت: گاز سارین در حومه دمشق ۱۴۰۰ نفر را کشت. درخواست اوباما از کنگره برای استفاده از نیروی نظامی محدود</p> <p>سپتامبر: موافقت سوریه برای تحویل انبار سلاح های شیمیایی</p> |
| ۲۰۱۴ | <p>ژانویه: تصرف رقه توسط داعش. اجازه کنگره برای ارائه کمک های غیرنظامی در سوریه با مقاصد مشخص</p> <p>ژوئن: داعش ادعای برقراری خلافت در سوریه و عراق به پایتختی رقه کرد و نام آن را به دولت اسلامی تغییر داد.</p> <p>سپتامبر: آمریکا حملات هوایی در سوریه انجام داد. کنگره اجازه آمادگی و تجهیز داد.</p> <p>اکتبر: وزارت دفاع تصمیم به ایجاد نیروهای مشترک آمریکایی و نیروهای ائتلافی برای هماهنگی عملیات گرفت.</p> |
| ۲۰۱۵ | <p>سپتامبر: شروع حملات هوایی روسیه در سوریه</p> <p>اکتبر: آمریکا عملیات خود را در سوریه تعدیل داد تا بتواند به تجهیز نیروهای ائتلافی بپردازد. نیروهای مبارز کرد و دمکراتیک سوریه با یکدیگر ادغام شدند و به عنوان شریک آمریکا فعالیت کردند. اعزام اولین نیروهای عملیات ویژه به سوریه.</p> |
| ۲۰۱۶ | <p>اوت: ترکیه عملیاتی در شمال سوریه بر ضد داعش و نیروهای کرد انجام داد.</p> <p>دسامبر: دولت سوریه و نیروهای متحد بسیاری از نیروهای مخالف را در شهرهای بزرگ به عقب نشینی وادار کردند.</p> |
| ۲۰۱۷ | <p>آوریل: گاز سارین ۸۰-۱۰۰ نفر را در خان شیخان کشت و آمریکا در پاسخ ۵۹ موشک توماهوک در شعیرات استان حمص شلیک</p> |

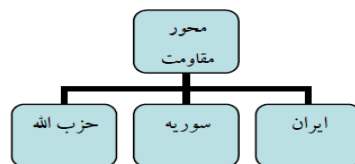
| |
|---|
| <p>مه: ترامپ به دنبال مسلح کردن کردهای نیروهای دموکراتیک سوریه است. شکل‌گیری مناطق امن توسط ایران، روسیه و ترکیه</p> <p>ژوئیه: آمریکا، روسیه و اسرائیل مناطق آتش‌بس را در جنوب سوریه برقرار کردند.</p> <p>اکتبر: نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) رقه، پایتخت داعش را آزاد کردند.</p> |
|---|

نیروی مقاومت و ضد مقاومت در بحران سوریه

در مقیاس منطقه‌ای تداوم بحران سوریه در منطقه به‌نوعی نتیجه رقابت بین دو جریان متعارض مقاومت و محافظه‌کار در منطقه‌ی غرب آسیا است. با آغاز بیداری اسلامی شاهد بروز رقابت فزاینده بین جریان مقاومت شامل کشورهای ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت چون حزب‌الله لبنان و حماس در مقابل جریان مخالف شامل عربستان سعودی، اردن، جریان ۱۴ مارس به رهبری سعد حریری و تشکیلات خودگردان فلسطین در منطقه‌ی غرب آسیا هستیم (آجر لو، همان). از همین رو، باید گفت که دنیروی خارجی که در بحران سوریه نیز مشارکت داشته‌اند را می‌توان در دودسته بندی که شامل نیروهای محور مقاومت و نیروهای ضد محور مقاومت هستند و هر یک در تلاش برای حفظ یا سقوط رژیم بشار اسد عمل کرده‌اند را مشخص ساخت. در نمودارهای زیر این دسته‌بندی‌ها آمده است:



نمودار(۲): محور ضد مقاومت



نمودار(۱): محور مقاومت

کشور سوریه در مرکز محور مقاومت قرار دارد. در واقع سوریه کانون مرکزی محور مقاومت در حال حاضر است. بدین صورت که ایران برای حمایت از حزب الله لبنان، از کشور سوریه که خود در محور مقاومت قرار دارد، استفاده می کند و فروپاشی حکومت بشار اسد، به منزله قطع راه ارتباطی ایران با حزب الله و به صورت کلی، از بین رفتن محور مقاومت فعلی است؛ بنابراین، اگر ایران در بحران سوریه وارد شده است و به حمایت از حکومت بشار اسد و مبارزه با گروه های تروریستی پرداخته است، یکی از دلایل مهم آن حمایت از محور مقاومت است. نمودار شماره دو نیز بیانگر محور ضد مقاومت در منطقه خاورمیانه است که نشان دهنده ی در کنار هم قرار گرفتن عربستان و اسرائیل است. (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۴). باید توجه داشت که هر دو نیرو در تقابل با یکدیگر در سوریه وارد شده اند.

در این بحران دو کشور روسیه و آمریکا نیز به عنوان نیروهای خارج از منطقه نیز فعال هستند که در یک طرف گروه روسیه-سوریه-ایران-حزب الله و در سوی دیگر گروهی تحت رهبری سعودی-امارت- آمریکا-اسرائیل قرار دارد که باهدف مشترک خود در راستای تأکید بر نفوذ ایران در منطقه درگیر هستند (Khouri, 2018:5). که در این مقاله به آن بررسی نخواهد شد.

حزب الله

حزب الله گروهی شیعی است که از درون جنبش امل متولد شد. جنبش امل سازمانی بود که امام موسی صدر در ۱۹۷۵ م. / ۱۳۵۴ ش. آن را بنیان نهاده بود. هدف او از ایجاد آن، بیش از هر چیز حفظ امنیت و تضمین موجودیت شیعیان بود. «امل» خواهان مقابله با

اسرائیل بود ولی از اینکه شیعیان در جنگ میان فلسطینی‌ها و اسرائیل قربانی شوند، اجتناب می‌کرد. «امل» و شیعیان هوادار سید موسی صدر در وهله‌ی اول به موجودیت خود می‌اندیشیدند و دوست و دشمن خود را با توجه به معادلات سیاسی در منطقه و در لبنان برمی‌گزیدند. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، این جنبش گسترش بیشتری یافت و از سال ۱۹۸۲ م. / ۱۳۶۱ ش. به یکی از بازیگران عمده‌ی سیاسی در لبنان تبدیل گردید. پس از اجرای توافق طائف^۱ در سال ۱۹۹۰ م. / ۱۳۶۹ ش. جنبش «امل» به جریان حاکم سیاسی جدید پیوست و اعضای آن صاحب مناصب سیاسی مهمی در کشور شدند؛ اما به تدریج برخی اختلاف‌نظرها در درون آن موجب انشعاب در جمعی از نیروهای شیعی شد که اکثراً روحانیون تحصیل کرده در قم یا نجف بودند که به تدریج با تأثیرپذیری از اندیشه‌های امام خمینی (ره) و با متهم کردن امل به محافظه‌کاری، اقدام به تشکیل حزب‌الله نمودند. فعالیت حزب‌الله در قالبی سازمان‌یافته به زمان دخالت‌های نظامی اسرائیل و آشفتگی‌های داخلی موجود در لبنان در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ م. / ۱۳۵۹ ش بازمی‌گردد. در حقیقت تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ م. / ۱۳۶۱ ش. را می‌توان عامل مستقیم پیدایش جنبش حزب‌الله لبنان دانست (عظیمی دولت‌آبادی و سیف، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۷). حزب‌الله یک بنیاد مقاومت مردمی علیه اسرائیل است که در دهه گذشته، سلطه سیاسی و نظامی خود را در لبنان تقویت کرده و به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه تبدیل شده است.

^۱ این پیمان با میانجیگری عربستان سعودی در شهر طائف و در خصوص بحران داخلی لبنان و به منظور بازنگری در میثاق ملی لبنان و ایجاد توازن میان قدرت مذاهب و طوایف در این کشور منعقد شد

حزب‌الله و بحران سوریه

سوریه در محور مقاومت قرار گرفته است؛ بدین منظور که از گروه‌های جهادی فلسطین به‌ویژه حماس، جهاد اسلامی فلسطین و حزب‌الله لبنان در برابر اسرائیل حمایت مادی و معنوی می‌نماید. مجموعه اشتراکاتی که الگوگیری حزب‌الله لبنان از انقلاب اسلامی ایران را فراهم کرد، به پیوند این جنبش با جمهوری اسلامی ایران منجر شده است. بر این اساس زمانی که مشخص شد حزب‌الله توانست با مقاومت خود در مقابل اسرائیل ایستادگی کند و از نابودی کامل در امان باشد پیامدهای افزایش محبوبیت حزب‌الله را به دنبال داشت. کسینجر معتقد بود که این توانمندی باعث شد که تمام توجه جهانیان به جنگ در لبنان و غزه معطوف شود، در صورتی که سمت‌وسوی توجه آن‌ها قطعاً به ایران نیز ختم خواهد شد (رنجبر و عابدی، ۱۳۹۵: ۸۲). در ماه ژوئن، جنگجویان حزب‌الله نقش مهمی را در کمک به بشار اسد در تصرف شهر استراتژیک قصیر و در کنار مشاوران ایرانی ایفا کرد و قابلیت خود را به نمایش گذاشت (Levy, 2013: 5 & Barnes-Dacey). یک بعد شگفت‌انگیز از جنگ سوریه که قابل توجه‌تر از جنبه‌های جنگ‌های دیگر در یمن، فلسطین، لیبی، سومالی و عراق است، طول عمر و شدت حضور مستقیم نظامیان خارجی حامیان دولت اسد یعنی ایران، روسیه و به‌ویژه حزب‌الله است (Khouri, 2018: 13) این مسئله نشان دهنده‌ی وزنه‌ی حزب‌الله در محور مقاومت است.

عامل دیگری که قدرت منطقه‌ای حزب‌الله را نشان می‌دهد، اعلام رسمی حزب‌الله مبنی بر حضور نظامی و عملیاتی در سوریه است. برخلاف بسیاری از کشورها و بازیگران منطقه‌ای که سعی می‌کنند اقدامات خود را در سوریه پنهان کنند و مسئولیت اقدامات خود را نیز بر عهده نمی‌گیرند، حزب‌الله بارها حضور خود در سوریه را تأیید کرده است و

مراسم تشیع شهدای خود را نیز به صورت علنی برگزار می‌کند. سید حسن نصرالله اعلام می‌کند که ما به شهدای خود در سوریه افتخار می‌کنیم، تعداد و اسامی آن‌ها را اعلام می‌نماییم و آن‌ها را شهدای راه قدس در سوریه می‌دانیم. باید توجه داشت که ورود حزب‌الله به بحران سوریه و نجات رژیم اسد که در آستانه‌ی سقوط قرار داشت، حاکی از آن است که حزب‌الله توانسته است نقش خود را به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی منطقه‌ای به‌خوبی ایفا کند و علاوه بر تأثیرگذاری بر محیط داخلی، بر محیط پیرامونی خود نیز اثرگذار باشد. در حال حاضر، حزب‌الله در غرب آسیا و در جهان اسلام به‌عنوان نیرویی شناخته می‌شود که توان شکست رژیم صهیونیستی و ضربه زدن به منافع غرب را دارد (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۲) و این توان قابل‌اغماض نیست.

حزب‌الله با درگیری در سوریه در دفاع و حمایت از پایگاه خود و اطمینان از حفظ مسیرهای ارتباطی از راه سوریه به لبنان باعث تقویت محور مقاومت شده است. در زمان افول قدرت اسد حضور نیروهای شیعه عراق در حمایت از اسد در سال ۲۰۱۲ با ایجاد تیپ ابوالفضل العباس که یک نیروی شبه‌نظامی طرفدار دولت از اعضای حزب‌الله لبنان و اسحاق اهل الحق و کتائب حزب‌الله است باعث شد تا توازن مبارزه با سایر نیروهای شبه‌نظامی که با مخالفان اسد در سوریه فعالیت می‌کردند به هم بخورد (Fulton et al, 2013: 8,21).

جنبش حزب‌الله با الهام از افکار امام خمینی(ره) و تکیه بر اسلام و مبارزه با دسیسه‌های غرب است. از این لحاظ، معتقد است از یک سو با تأکید بر ولی فقیه و پیوند فکری با ایران، موضع‌گیری ایدئولوژیک همسو دارد و از سوی دیگر ماهیت منازعه با اسرائیل، روابط با سایر مسلمانان و دیدگاه نسبت به جهان غرب را توجیه می‌کند. حزب‌الله به مفهوم تقسیم

جهان به دو بخش مستکبران و مستضعفان پایبند است. این جنبش، آمریکا را شیطان بزرگ و سیاست آمریکا در خاورمیانه را سیاستی اسرائیلی می‌داند. از این رو، اسرائیل نوک پیکان آمریکا در منطقه و آمریکا ابزار اسرائیل است. حزب‌الله با این تصور، آمریکا را سردمدار تقسیم دولتی در جهان و منطقه تلقی می‌کند (باقری و بصیری، ۱۳۹۴: ۵۸). با این توضیح، حزب‌الله مداخله‌اش در سوریه را در دو سطح توجیه می‌کند: اول، به گفته نصرالله، جنگ سوریه یک "طرح سیاسی" ایالات متحده برای منافع اسرائیل است. سوریه "ستون فقرات مقاومت" است و سقوط آن، محور ضد اسرائیل را تضعیف کرده و موجب از دست رفتن فلسطین می‌شود. نصرالله در ۲۵ می سال ۲۰۱۳ گفت که مقاومت نمی‌تواند در حالی در معرض خطر قرار گرفته است بی‌تفاوت باقی بماند. دلیل دوم تهدید ناشی از ظهور گروه‌های افراط‌گرای سنی در سوریه مانند داعش و حیت التحریر الشام است که مورد حمایت غرب نیز است. حزب‌الله آن‌ها را "تکفیری" و رادیکال‌هایی می‌داند که با تفسیر سخت‌گیرانه‌تر از اسلام دیگران را قبول ندارند (Blanford, 2017:8)؛ بنابراین آنچه در سوریه اتفاق می‌افتد، اولاً بر اساس سخن نصرالله، انقلابی مردمی علیه رژیم نیست و تلاشی است برای اجرای یک دستور کار سیاسی آمریکایی-غربی که با دستور کار اسرائیل با استفاده از کشورهای منطقه (با اشاره به حمایت از شورشیان عربستان سعودی، قطر، اردن و ترکیه) به شکل درگیری مستقیم کشورهای غربی، کشورهای غربی و عربی مسلمان (ترکیه، اردن، عربستان سعودی، قطر) و یا کشورهای منطقه‌ای سوریه است. رژیم جدید سوریه می‌تواند سوریه را از «اردوگاه مقاومت» حذف کند و سیاست‌های طرفدار غرب را اتخاذ کند (ITIC, 2013)

دخالت حزب‌الله در سوریه بعد از سال ۲۰۱۳، رابطه میان اعضای محور مقاومت را تقویت کرده و نشان‌دهنده همگرایی پایدار از اهداف استراتژیک در منطقه است. در عین حال، در نتیجه درگیری در سوریه، مشارکت محور مقاومت در حال افزایش است. رژیم اسد به ایران و سوریه بسیار متعهد است و نشان‌دهنده‌ی این است که به‌عنوان یک بازیگر مستقل عمل نمی‌کند و همانند گذشته در حفظ ارتباط با آنان است. مهم‌ترین پیامد حضور حزب‌الله به‌عنوان یک نیروی مبارز در درگیری در سوریه کسب تجربه‌هایی است که در طی مبارزه توانسته است علاوه بر استفاده از تاکتیک‌هایی را که در چند سال گذشته آموزش دیده اجرا بگذارد و هم اینکه توانایی بکارگیری آن‌ها در جنگ‌های بعدی با اسرائیل را داشته باشد (Sullivan, 2014:25). جمهوری اسلامی نیز در مقام قدرتی بزرگ در محور مقاومت، همچون حزب‌الله معتقد است که با تغییر رژیم سیاسی سوریه، حکومت جایگزین محور مقاومت اسلامی را ناپود می‌کند. می‌توان استدلال کرد که دمشق خاک‌ریز نخست جبهه مقاومت اسلامی است و به همین دلیل ایران در طی بحران سوریه هیچ‌گاه از راه‌حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از منطقه‌ای و غربی، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت نکرده است؛ بلکه مسئولان دستگاه دیپلماسی ایران همواره تأکید کرده‌اند که برای حل بحران سوریه فقط یک‌راه وجود دارد و آن نیز راه‌حل سیاسی است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه همچون متحدی راهبردی در منطقه خاورمیانه می‌نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروه‌های اسلامی در محور مقاومت از قبیل حماس و حزب‌الله را به‌منزله یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح می‌کند. ایران کشور سوریه را به‌مثابه سپری از دفاع امنیتی در منطقه می‌بیند که در صورت فروپاشی ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل

بزرگ امنیتی در منطقه نیز روبرو سازد(مرادی، شهرام نیا، ۱۳۹۴:۱۳۹). به‌طور کلی رابطه بین حزب‌الله، سوریه و ایران یک رابطه ژئواستراتژیکی برای محور مقاومت است.

رژیم صهیونیستی

همسایگی سوریه با لبنان و قرار گرفتن در خط مقاومت، پس از ترور رفیق حریری نخست‌وزیر سابق لبنان و جنگ ۳۳ روزه، رژیم صهیونیستی را بر آن داشت تا سوریه را مورد هدف قرار دهد. صهیونیست‌ها به همراه عرب‌های جبهه اعتدال و سازش‌کار از آغاز بحران سوریه تاکنون در سطوح مختلف و از راه‌های گوناگون در تلاش بوده‌اند تا بشار اسد را از مواضع اصولی خود در قبال فلسطین و جبهه مقاومت اسلامی در قبال رژیم صهیونیستی منصرف کنند، آن‌ها می‌خواهند تا سوریه را از جبهه مقاومت خارج و وارد چرخه و روند سازش‌کاری کنند تا دست‌آخر در حمایت از قضیه فلسطین و ملت مظلوم وادار به عقب‌نشینی شود (Rabinovich, 2012). ایهود باراک وزیر جنگ صهیونیستی چون گفته بود: "سقوط بشار اسد برای منطقه خاورمیانه نعمت بزرگی است". سخنی که دیگر مخالفان بشار اسد نیز به‌نوعی با اهداف دیگری بیان کرده بودند. این رویکرد خصمانه در قبال سوریه این کشور را گرفتار یک توطئه گروهی از جانب آمریکا، غرب، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی ساخته است و گواهی بر داخلی نبودن این بحران دارد. در این میان قطر و ترکیه نقش کاتالیزوری را بازی می‌کنند تا در مواضع منطقه‌ای به بحران سوریه شدت ببخشند. آنچه در قیاس با دیگر مخالفان رژیم بشار اسد می‌توان گفت این است که رژیم صهیونیستی در این بحران بیشترین نفع را از سقوط آن می‌برد چراکه مسئله حزب‌الله نیز مرتبط با این موضوع است. از همین رو این رژیم دست به اقدامات مختلف

نظامی در خاک سوریه نیز زده است. وزیر اطلاعات اسرائیل درباره تعداد عملیات نظامی در دو سال گذشته بیان داشته است که اسرائیل بیش از ۲۰۰ بار اقدام نظامی در خاک سوریه انجام داده است. او درباره اهداف حملات اسرائیل در سوریه بیان می‌کند که اکثر مناطقی که مورد حمله قرار گرفته‌اند در نزدیکی مرز لبنان بوده است (etal, Humud, 2017:14). این مسئله نشان‌دهنده اهمیت استراتژیکی ژئوپلیتیک سوریه برای محور مقاومت است که با واکنش نظامی اسرائیل نیز روبرو شده است. برخی از مهم‌ترین عملیات نظامی اسرائیل در سوریه که در سال ۲۰۱۸ پایگاه‌های نظامی سوریه یا مناطق استراتژیکی را هدف قرار داده است در جدول زیر آمده است:

اقدامات نظامی اسرائیل در قبال سوریه در ۲۰۱۸

| |
|---|
| <p>۱۰ فوریه اسرائیل پایگاه نظامی T4 (Tiyas) در مرکز سوریه را با هواپیمای بدون سرنشین هدف قرار داد</p> <p>۹ آوریل اسرائیل با F-15 به پایگاه نظامی ارتش T4 در سوریه حمله کرد</p> <p>۲۹ آوریل اسرائیل اهداف نظامی در استان حما و حلب را هدف قرار داده است و ۱۶ تا ۲۶ نفر از جان باختند.</p> <p>۸ مه اسرائیل در یک مرکز نظامی سوریه به الکسوه (Al-Kiswah) در جنوب دمشق حمله کرد و ۱۵ نفر کشته شدند</p> <p>۱۰ مه. اسرائیل زیرساخت‌های نظامی ایران در سوریه را هدف قرار داد و ۲۳ نفر کشته شدند</p> <p>۱۸ ژوئن هواپیمای اسرائیل در امتداد مرز سوریه با عراق به شبه‌نظامیان عراقی در منطقه الهررا در جنوب شرقی مرز سوریه حمله کرد. کتائب از گردان‌های حزب‌الله اعلام کرد که ۲۲ تن از اعضایش کشته شدند.</p> <p>۱۱ ژوئیه نیروی هوایی اسرائیل سه هدف را استان قنيطرة در نزدیکی بلندی‌های جولان زد.</p> <p>۲۲ ژوئیه هواپیمای اسرائیلی یک مرکز تولید موشک در نزدیکی مصیاف در استان حما را نابود کرد.</p> <p>۲۴ ژوئیه اسرائیل یک هواپیمای نیروی هوایی سوریه را در نزدیکی منطقه خلع سلاح (زیر نظر نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد) بین سوریه و بلندی‌های جولان ساقط کرد.</p> <p>۲ اوت اسرائیل با حمله هوایی هفت نفر را که به ارتفاع بلند جولان نزدیک می‌شدند کشت.</p> |
|---|

۴ اوت اسرائیل مظنون به قتل عزیز آسبار (**Aziz Asbar**)، دانشمند سلاح‌های سوری شد.

۴ سپتامبر اسرائیل اهدافی را در نزدیکی مصیاف در استان حماه هدف قرار داد.

۱۷ سپتامبر اسرائیل اهداف نظامی در نزدیکی لاذقیه، حمص و حماه انجام داد. همچنین اسرائیل مسئول سقوط هواپیمای نظامی روسی در نزدیکی سواحل سوریه شد که ۱۵ نفر کشته شدند.

اسرائیل و بحران سوریه

با شکل‌گیری بحران در سوریه، رژیم صهیونیستی که از جمله بازیگران حاضر در ائتلاف مخالف دولت بشار اسد به شمار می‌آید تمام تلاش خود را برای تغییر رژیم در سوریه به کار بسته است. بخش عمده‌ی این اهداف را در تأمین امنیت و منافع رژیم صهیونیستی، تضعیف جبهه مقاومت (متشکل از جمهوری اسلامی ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و حماس فلسطینی)، گسترش نفوذ و هژمونی منطقه‌ای، تضعیف ایران به‌عنوان نماد اسلام سیاسی در منطقه و همچنین تأمین و تضمین امنیت انرژی خلاصه می‌توان کرد. در این میان، سقوط رژیم اسد به‌عنوان پل ژئوپلیتیکی میان ایران و حزب‌الله (صف اول مقاومت) می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت جایگاه اسرائیل و تضعیف جبهه مقاومت، تغییر موازنه قوا به نفع محور ضد مقاومت و مقابله با جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای می‌شود (احمدی و قربانی، ۱۳۹۳: ۱۵).

اسرائیل به دلیل اینکه اصولاً همه دولت‌های اسلامی و عرب را مخالف خویش و دشمن خود تلقی می‌کند، از تغییر نقشه خاورمیانه و ظهور دولت-ملت‌های جدید، از جمله دولت کرد طرفداری می‌کند. این رژیم خواهان این است که دولت‌های بزرگ خاورمیانه مانند ایران و حتی عراق که با آن مرز مشترک ندارد به کشوری بسیار کوچک تبدیل شود و از تجزیه قومی و حتی تجزیه مذهبی حمایت می‌کند؛ بنابراین به شدت از استقلال کردها و

به‌ویژه استقلال کردهای سوریه حمایت کرده و خواهان تشکیل دولت‌های خودمختار (خواه اقلیم‌های قومی و خواه اقلیم‌های خودمختار مذهبی) در منطقه خاورمیانه است (اخوان کاظمی و همکاران، ۲۹:۱۳۹۷). تجزیه کشورها کمک می‌کند که د و هله نخست اسرائیل به دنبال متحد مطمئن‌تری در منطقه باشد و دوم اینکه تشکیل کردستان به اسرائیل کمک می‌کند تا از این طریق به مرز ایران نزدیک شود و هم‌زمان سوریه، عراق و دیگر کشورهای عربی را زیر کنترل خود قرار دهد (حاجی یوسفی و ایمان، ۸۵:۱۳۹۰). این اهداف بلندمدت در موضع‌گیری اسرائیل در قبال سوریه تأثیرگذار است.

باید در نظر داشت رژیم صهیونیستی برای تغییر رژیم در سوریه با دو نگرانی نیز روبرو است: اول اینکه نمی‌داند بعد از آنکه با هم‌پیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی خود علیه اسد همکاری کرد چه بر سر سوریه خواهد آمد؟ اسرائیل نگران است که با سرنگونی دولت حاکم، جنگ داخلی بی‌سرانجامی در سوریه آغاز شود و این کشور به «دولت ناکام» تبدیل و مانند افغانستان دهه‌ی ۱۹۹۰ به مکانی برای تجمع و سازمان‌دهی گروه‌های تندروی سلفی (مورد حمایت عربستان) تبدیل شود (زادگان، ۹۲:۱۳۹۵). دوم اینکه با حمایت از گروه‌های جهادی سنی ممکن است به بی‌ثبات کردن همسایگان خود به‌ویژه اردن و مصر به‌عنوان یک تهدید احتمالی درازمدت اقدام کند. اسرائیل به‌خوبی از ناتوانی مدیریت خود در سوریه آگاه است. با توجه به اینکه در ژانویه ۲۰۱۶، نیروهای سوریه تحت حمایت نیروی هوایی روسیه به داعش و متحدانش در جنوب غربی سوریه حملاتی را انجام دادند اما در ادامه این‌گونه موفقیت‌ها آن‌ها را به مرزهای اردن فراری داده خواهند شد و از آنجا که چندین هزار اردنی‌ها به داعش پیوسته‌اند و تحت آموزش نظامی و ایدئولوژی افراطی

هستند حضور آن‌ها در کشور خود برای بی‌ثبات کردن اردن نگرانی زیادی برای اسرائیل دارد (Hanauer, 2016:9).

تردیدها درباره تأثیر آتی رژیم آلترناتیو اسد باعث می‌شد که به‌زعم رژیم صهیونیستی وجود و حضور بشار اسد بهتر از هر جانشین ناشناخته دیگر، امنیت و ثبات این رژیم را تضمین کند، اما وجود یک خطر بالقوه به نام جمهوری اسلامی ایران باعث می‌شد تا آن‌ها نسبت به برکناری بشار اسد تمایل بیشتری از خود نشان دهند؛ چراکه از نظر آن‌ها بشار اسد به‌عنوان متحد استراتژیک ایران در منطقه محسوب شده و به‌عنوان عامل میانجی و ارتباطی ایران با حزب‌الله لبنان است. تداوم حضور بشار اسد در سوریه به معنای تداوم نفوذ ایران در این کشور تلقی می‌شود و این نفوذ بیش از حضور بشار اسد در قدرت، امنیت رژیم صهیونیستی را با چالش مواجه خواهد ساخت. با وجود حمایت مقامات رژیم صهیونیستی از برکناری بشار اسد از قدرت، مهم‌ترین دغدغه و نگرانی امنیتی آن‌ها به تحولات بعد از بشار اسد و نفوذ جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود؛ بنابراین ابهام در جایگزین احتمالی بشار اسد، مقامات این رژیم را بر آن داشته تا شکاف امنیتی و ابهام سیاسی موجود در تحولات سوریه را با همکاری غیرمستقیم با کشورهای عربستان سعودی، قطر و ترکیه از بین برده و به‌واسطه نقش‌آفرینی این بازیگران در تحولات سوریه نتیجه مطلوب و موردنظر خود را بیابد (عسگریان و تجری، ۱۳۹۶:۱۴۷) افزایش حمایت‌های آمریکا از معارضان بشار اسد در همین راستا بوده است. باید خاطر نشان کرد که نگرانی‌ها و ناکامی راهبردهای سیاسی بر ضد بشار اسد می‌توانست به‌منزله شکست تمام مخالفان سوریه در منطقه خاورمیانه و پیروزی قطعی مقاومت باشد. پیش‌تر، بزرگ‌ترین تأثیر منطقه‌ای جنگ آمریکا در سال ۲۰۰۳ در عراق افزایش نفوذ و حضور ایران در بخش‌های مختلف منطقه عرب بوده

است. با توجه به اینکه دولت ایران از اوایل دهه ۱۹۸۰ روابط استراتژیکی و نزدیکی با سوریه و حزب‌الله داشته است جنگ سوریه نیز موجب افزایش سطح بهره‌وری و تأثیرگذاری ایران در بسیاری از موارد شده است. ایران در دهه‌های اخیر، بی‌سروصدا و صبورانه از فرصت‌های جدید و ظرفیت‌های منطقه‌ای استفاده کرده و بدین ترتیب با برقراری ارتباط نزدیک‌تر با دولت‌ها و نهادهای غیردولتی نیز در عراق، لبنان، یمن، ترکیه، فلسطین به افزایش عمق نفوذ خود پرداخته است. اتحاد سوریه-حزب‌الله-ایران نیز پس از سال ۲۰۰۳ با افزودن یک مؤلفه قطعی عراقی به آن نیز تقویت شد و شیعیان ایران دوستان قدرتمندی را در عراق به دست آوردند. (Khoury, 2018:6). به‌هرحال بحران سوریه نشان داد که آنچه به‌عنوان عامل تعیین‌کننده‌ی تحولات آتی خاورمیانه موردتوجه قرار باید قرار بگیرد نقش برجسته‌ی محور مقاومت است.

نتیجه‌گیری

تحولات داخلی سوریه را می‌توان مقدمه‌ای برای ورود آشکار و نهان بازیگران دولتی و غیردولتی تلقی کرد. موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی سوریه باعث شد که با وقوع بحران داخلی این کشور در سال ۲۰۱۱ کشمکش و تقابل‌های قدرت‌ها و بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در سوریه نیز شکل بگیرد؛ از این‌رو، این مسئله حاکی از این واقعیت است که منازعات داخلی آن کشور صرفاً ابعاد سرزمینی نداشته بوده و این کشور را در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه‌ای قرار می‌دهد.

گروه‌هایی با خط‌مشی‌های مختلف اسلام‌گرا، چپ‌گرا، سکولار، سلفی و ... که همگی به دنبال سقوط بشار اسد بودند از طریق قدرت‌های خارجی برای تضعیف رژیم اسد

حمایت‌های مادی و معنوی تقویت می‌شدند که در نهایت با حضور مؤثر مستشاران ایرانی و حمایت حزب‌الله قدرت کنشگری از مخالفان گرفته شد و توازن قدرت به نفع بشار اسد متعادل‌تر گردید. از دلایل مهمی که باعث شد تا ابعاد بحران در سطح داخلی نباشد این است که سوریه در محور مقاومت قرار دارد و از این‌رو، به‌زعم مخالفان سوریه به‌ویژه اسرائیل سقوط رژیم اسد می‌تواند زمینه‌ای برای فروریختن پایگاه استراتژیک این کشور در محور مقاومت باشد. رویکرد محور مقاومت در قبال سوریه هم نفی هرگونه ادعای داخلی بودن این بحران است و هم اینکه آن را بخشی از سیاست غربی در جهت تضعیف و شکستن رابطه استراتژیک ایران، سوریه و حزب‌الله می‌داند.

در همین چارچوب پیامدهای سقوط بشار اسد برای اسرائیل علاوه بر تضعیف محور مقاومت می‌توانست اطمینان در جهت حل مسئله فلسطین، مقدمه‌ای بر نابودی حزب‌الله و همچنین اهدافی از جمله تشکیل خاورمیانه باشد؛ اما پیروزی محور مقاومت در سرپانگه داشتن رژیم اسد باعث شد تا نه تنها معادلات امنیتی و قدرتی تغییر کند بلکه توانست تروریست‌های مورد حمایت معارضان را به عقب‌نشینی وادار کرده و موجب رفع تهدید تجزیه و فروپاشی سوریه و تشکیل خاورمیانه جدید نیز شود.

منابع

- (۱) باقری، محسن؛ بصری، محمدعلی (۱۳۹۵). «بررسی رابطه حزب‌الله لبنان با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری و نواقح گرای»؛ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۰، صص ۴۹-۷۲
- (۲) باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۶)، «مقایسه سیاست‌های اوباما و ترامپ در برابر بحران سوریه»، فصلنامه سیاسی-اقتصادی، شماره ۳۰۸، صص ۲۳۱-۲۱۲
- (۳) تاجیک، هادی؛ سعادت، ابوالفضل (۱۳۹۵). «بررسی سیاست خارجی ترکیه در دوره‌ی اسلام‌گرایان در قبال سوریه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست دفاعی، شماره ۹۵، صص ۱۴۳-۱۰۹
- (۴) ساجدی، امیر (۱۳۹۶). «سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ؛ مطالعه موردی بحران سوریه و حمله موشکی امریکا»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان، صص. ۶۹-۹۲.
- (۵) شهرام‌نیا، سید امیر مسعود؛ ویسی، سارا (۱۳۹۴). «بررسی تقابلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه؛ در چهارچوب رهیافت تلفیقی سازه‌نگاری - واقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۲۹، صص ۵۲-۲۷
- (۶) رنجبر، مقصود؛ عابدی، محمد (۱۳۹۵). «تحلیل ابعاد منطقه‌ای جنگ‌های اسرائیل با حزب‌الله و حماس بر مبنای رویکرد موازنه قدرت»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره سوم، پاییز، صص ۷۷-۹۹
- (۷) عراقی، عبدالله (۱۳۹۴). «نقش حزب‌الله لبنان در امنیت منطقه‌ی غرب آسیا (خاورمیانه) با تأکید بر حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۹۳، صص ۱۴۲-۱۰۱
- (۸) عسگریان، عباسقلی؛ تجری، سعید (۱۳۹۶). «تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه در منطقه قفقاز»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۷، بهار، صص ۱۷۳-۱۴۰
- (۹) عظیمی دولت‌آبادی، امیر؛ سیف، زهره (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای جنبش حزب‌الله لبنان و انصار الله یمن»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۱، بهار، صص ۱۲۶-۹۹

۱۰) علی پور، جواد؛ قیطاسی، سجاد (۱۳۹۶). «آینده پژوهی بحران سیاسی- امنیتی سوریه بر پایه سناریونویسی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان، صص ۲۶۱-۲۳۱

۱۱) مرادی، اسداله؛ شهرام نیا، امیر مسعود (۱۳۹۴). «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان، (شماره پیاپی ۴۵)، صص ۱۵۲-۱۲۵

۱۲) مطلبی، مسعود؛ رحمانی، کامجو (۱۳۹۵). «تأثیر گفتمان نوین امنیتی امریکا بر مسابقه تسلیحاتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، دوره ۲، شماره ۶، زمستان، صص ۹۳-۷۱

۱۳) نجات، سید علی؛ جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۲). «بررسی و نقش جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، شماره ۸، صص ۴۹-۲۹

۱۴) نیاکوئی، سید امیر؛ ستوده، علی اصغر (۱۳۹۴). «ماهیت راهبرد عربستان سعودی علیه انقلاب اسلامی ایران در منازعات سوریه و عراق»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی دانشگاه همدان، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۱۰-۹۵

۱۵) وثوقی، سعید؛ مرادی فر، سعیده؛ صفری، عسگر (۱۳۹۳). «تحلیل موضوع‌های امنیتی قفقاز جنوبی بر اساس نظریه امنیتی مکتب کینهاگ»، مطالعات اوراسیای مرکزی، بهار و تابستان، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۹۵-۱۷۴

- 16) Blanford, N (2017). Hezbollah's Evolution. Washington, D.C.: Middle East Institute.
- 17) FULTON, W. HOLLIDAY, J., & WYER, S (2013). IRANIAN STRATEGY IN SYRIA. Institute for the Study of War 2013.
- 18) Hanauer, L (2016). Israel's interests and options in Syria. Calif: RAND Corporation.
- 19) Humud, C. E., Blanchard, C. M., & Nikitin, M. B (2017, January 06). Armed Conflict in Syria: Overview and U.S. Response. Washington D.C.: Library of Congress. Congressional Research Service..
- 20) ITIC (2013, 06 04). Hezbollah Involvement in the Syrian Civil War. (T. M. (ITIC), Producer) Retrieved from <https://www.terrorism-info.org.il/en/20521/>

- 21) Barnes-Dacey, D. L (2013). THE REGIONAL STRUGGLE FOR SYRIA. the European Council on Foreign Relations.
- 22) Khouri, R (2018, sep 12). THE IMPLICATIONS OF THE SYRIAN WAR FOR NEW REGIONAL ORDERS IN THE MIDDLE EAST. (Working Papers 12).
- 23) Sullivan, M (2014). hezbollah in syria. Institute for the Study of War .(2018). WORLD MIGRATION. International Organization for Migration (IOM).